



**تیتراژهای امروز**

لوران فابیوس: ایران باید به تعهداتش در عراق، سوریه و لبنان عمل کند!

**انتظارات فرامتنی از برجام**



صفحه ۲

بی شرمی اتحادیه اروپایی در چرخش ناگهانی علیه پدیده مهاجران

**توافق آلوده مرکل با حامی داعش**

صفحه ۲

**وام ۲۵ میلیون تومانی خودرو و سرکاری بود!**

صفحه ۱۵

عضو کمیسیون انرژی:

**وزیر نفت کشور را معطل کرده است**

صفحه ۱۶

**روزنه**

چه کسانی از سیاسی شدن مجالس عزاداری بیم دارند؟

**محرم سیاسی**

علی اکبر عباسی

«هیات و مجلس عزاداری نباید سیاسی باشد» این سخن متناقض ترین حرفی است که می‌توان به زبان آورد. چطور می‌شود از محرم و عاشورا و کربلا و امام حسین(ع) و هیات و مجلس عزاداری سخن گفت و نفی سیاسی بودن این مقوله‌ها را هم کرد؟! مگر می‌شود انکار کرد که نهضت عاشورا، برجسته‌ترین رخداد سیاسی تاریخ است؟! آیا اقدام سیاسی‌ای صریح‌تر از نهضت امام حسین(ع) در تاریخ وجود دارد؟! در شرایطی که پاسخ پرسش‌های فوق کاملا روشن است؛ چه چیزی موجب شده عده‌ای از لزوم سیاسی نبودن هیات و مجالس عزاداری بگویند و اصرار بوزنند مراسم عزاداری امام حسین(ع) را غیرسیاسی قلمداد کنند؟! به راستی چه کسانی و به چه دلیل از اسلام سیاسی عزاداری و هیات سیاسی که همان حقیقت اسلام و حقیقت هیات و عزاداری است بیم دارند؟! و چرا عده‌ای از برای مراسم عزاداری سیاسی بودن در ذات آن است لریزه به تن‌شان می‌افتد؟ چرا هر ساله و از جمله در سال‌های اخیر تا زرمزه ورود به محرم به گوش می‌رسد بر اندام عده‌ای لریزه می‌افتد و برخی رسانه‌ها برای تئوریزه کردن هیات و عزاداری غیرسیاسی فعال می‌شوند؟!

رضاخان یکی از اصلی ترین افرادی بود که با هیئات و مجالس عزاداری امام حسین(ع) و سیاسی بودن این مجالس مشکل داشت و نسبت به رونق این محافل ابراز نگرانی می‌کرد که در نهایت هم دستور جمع کردن هیئات و ممانعت از برگزاری مجالس عزاداری صادر کرد. مشکل رضاخان با مجالس عزاداری هم همین سیاسی بودن آنها بود. رضاخان اما با همه رضاخان بودنش این را خوب می‌دانست که مجلس عزای امام حسین(ع) و سیاسی بودن آن، ۲ مقوله یکسان و درهم تنیده است و سخن گفتن از مجلس و هیات غیرسیاسی بیشتر شبیه یک لطفیه است لذا دستور جمع‌آوری هیات‌ها و ممانعت از برگزاری مجالس را صادر کرد. هرچند رضاخان تلاش فراوانی برای تقابل با عزاداری سیاسی کرد اما در نهایت همین هیات‌ها و مجالس عزای ابا عبدالله(ع) بود که تومار حکومت پهلوی را در هم پیچید و انقلاب اسلامی را موجب شد.

رضاخان یکی از اصلی ترین افرادی بود که با هیئات و مجالس عزاداری امام حسین(ع) و سیاسی بودن این مجالس مشکل داشت و نسبت به رونق این محافل ابراز نگرانی می‌کرد که در نهایت هم دستور جمع کردن هیئات و ممانعت از برگزاری مجالس را صادر کرد. هرچند رضاخان تلاش فراوانی برای تقابل با عزاداری سیاسی کرد اما در نهایت همین هیات‌ها و مجالس عزای ابا عبدالله(ع) بود که تومار حکومت پهلوی را در هم پیچید و انقلاب اسلامی را موجب شد.

دامه در صفحه ۵

رهبر انقلاب در دیدار مسؤولان و دست‌اندر کاران حج:

**فاجعه‌نا باید پیگیری شود**

صفحه ۲



کس Lender.ir

**آمیختگی عناصر سیاسی و هویتی در تعارض ضدایرانی شیوخ حاشیه**

صغوی مصداق نظام سیاسی مطلوب اندیشه شیعی نبود ولی به دلایل سیاسی و مقتضیات زمانی مورد حمایت علمای شیعه قرار گرفت. در کنار این مجموعه عناصر سیاسی-تاریخی باید به مولفه‌هایی چون رقابت بر سر رهبری جهان اسلام و خاورمیانه، رقابت در اقتصاد انرژی و الگوهای متضاد سیاست و حکومت اشاره کرد که برخی از این رقابت‌ها حتی به زمان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. البته در دهه‌های جنگ سرد پیش از انقلاب، رقابت بر سر کنترل امنیتی منطقه یا به اصطلاح ژاندارمی خلیج فارس نیز عنصری کلیدی در تقابل تهران و ریاض محسوب می‌شد.

در تحلیل زمینه‌های این تقابلهای ناظران بخش مهمی از تمرکز خود را بر الگوهای سیاست‌ورزی در دو سوی مرز مقاومت و ارتجاع معطوف می‌دارند. در یک سوی مرز یادشده جمهوری اسلامی ایران تلاطم‌ها و حکومت‌ورزی براساس معیارهای اصیل اسلامی یا همان اسلام ناب محمدی است که بنیانگذار کبیر انقلاب در سیره عملی و به شکل نظری الگوهای آن را ترسیم فرموده‌اند. نکته قابل تامل اینکه حکومت‌های مرتجع عربی نیز خود را داعیه‌دار اسلام سلف می‌انگارند اما به طور عملی مسیری متضاد را می‌پیمایند. بی‌تفاوتی سران کشورهای اردوگاه ارتجاع منطقه‌ای در برابر اشغالگری صهیونیست‌ها و کشتار مسلمانان در اراضی اشغالی مهم‌ترین نمود ضداسلامی بودن نظام‌هایی چون آل‌سعود است؛ نظامی که نشان داده برای منکوب کردن رقیب شیعی خود حاضر است دست به دامان دشمنان جهان اسلام و به طور ویژه صهیونیست‌ها شود.

دیگر دلیل ضداسلامی بودن حکومت‌های مرتجع، رویکردهای عشیره‌محور و نژادپرستانه و بی‌توجهی به حقوق اساسی مسلمین در ممالک اسلامی است. در این زمینه مبنای حکومت آل‌سعود بر نفی و تکفیر دیگر مذاهب اسلامی

سیاسی- هویتی با تهران شسوند؛ تعارضی که سال‌هاست بر روابط ایران و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس سایه انداخته و در بزرگ‌نمایی نظیر حوادث منا خود را می‌نمایاند. در شرایط کنونی بسیاری تقابل ایران و عربستان را از منظر رویارویی دو قطب رقیب منطقه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. در یک سوی این تقابل عربستان و امارات منطقه‌ای ریاض منافع حیاتی خود را در حفظ وضعیت موجود یعنی تداوم رژیم‌های خاندانی و حکومت‌های موروثی غیرمردمسالار، رانتر، همپیوند با غرب و موید اشغالگری صهیونیست‌ها در اراضی اسلامی می‌بینند. در دیگر سو، نظام انقلابی جمهوری اسلامی نقطه کانونی محور مقاومت است که با مخاطب قرار دادن ملت‌ها الگوهای سیاسی و فرهنگی تحول‌خواه شیعی را ترویج و پشتیبانی می‌کند؛ الگوها و هنجارهایی که در آن مبارزه با صهیونیسم، استبداد، زورگویی قدرت‌های جهانخواه، تفسیر به رای آموزه‌های اسلامی، نژادپرستی و تعصب قومی و زبانی و... جایگاهی محوری دارد.

در مقایسه این دو الگو می‌توان به وفور شاهد این رخدادها و موضع‌گیری‌های ضدایرانی نشان داد سعودی‌ها طی روزهای گذشته سخت در تکاپوی یارکشی و برانگیختن برادرهای کوچک عرب برای ستیزه‌جویی علیه ایران بوده‌اند البته کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در این روزهای پر تنش با شدت و ضعفی متفاوت با آل سعود همراهی داشته‌اند. در مقایسه با رژیم سعودی، بحرین و امارات و کشورهای چون کویت، قطر و عمان به عنوان دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قامت نهاد پاسسیان ارتجاع منطقه‌ای، همراهی کمتری را با سیاست‌های ایران‌ستیزانه ریاض صورت دادند؛ کشورهایی که به نسبت عقلانیت رهبرانشان سعی کرده‌اند به نوعی از افراط در ضدیت با ایران بپرهیزند و کمتر درگیر تعارض

سیاسی- هویتی با تهران شسوند؛ تعارضی که سال‌هاست بر روابط ایران و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس سایه انداخته و در بزرگ‌نمایی نظیر حوادث منا خود را می‌نمایاند. در شرایط کنونی بسیاری تقابل ایران و عربستان را از منظر رویارویی دو قطب رقیب منطقه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. در یک سوی این تقابل عربستان و امارات منطقه‌ای ریاض منافع حیاتی خود را در حفظ وضعیت موجود یعنی تداوم رژیم‌های خاندانی و حکومت‌های موروثی غیرمردمسالار، رانتر، همپیوند با غرب و موید اشغالگری صهیونیست‌ها در اراضی اسلامی می‌بینند. در دیگر سو، نظام انقلابی جمهوری اسلامی نقطه کانونی محور مقاومت است که با مخاطب قرار دادن ملت‌ها الگوهای سیاسی و فرهنگی تحول‌خواه شیعی را ترویج و پشتیبانی می‌کند؛ الگوها و هنجارهایی که در آن مبارزه با صهیونیسم، استبداد، زورگویی قدرت‌های جهانخواه، تفسیر به رای آموزه‌های اسلامی، نژادپرستی و تعصب قومی و زبانی و... جایگاهی محوری دارد.

در مقایسه این دو الگو می‌توان به وفور شاهد این رخدادها و موضع‌گیری‌های ضدایرانی نشان داد سعودی‌ها طی روزهای گذشته سخت در تکاپوی یارکشی و برانگیختن برادرهای کوچک عرب برای ستیزه‌جویی علیه ایران بوده‌اند البته کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در این روزهای پر تنش با شدت و ضعفی متفاوت با آل سعود همراهی داشته‌اند. در مقایسه با رژیم سعودی، بحرین و امارات و کشورهای چون کویت، قطر و عمان به عنوان دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قامت نهاد پاسسیان ارتجاع منطقه‌ای، همراهی کمتری را با سیاست‌های ایران‌ستیزانه ریاض صورت دادند؛ کشورهایی که به نسبت عقلانیت رهبرانشان سعی کرده‌اند به نوعی از افراط در ضدیت با ایران بپرهیزند و کمتر درگیر تعارض

www.vatanemrooz.ir | ۶۶۴۱۳۹۴۲ | سلام وطن

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی

۰۹۲۱۸۳۶۴۷۹۶

**یادداشت امروز**

**آنچه باید نگرانش بود**

مهدی محمدی

توافق هسته‌ای از روز یکشنبه وارد فاز اجرا شده است ولو اینکه در سوسی مقابل، یعنی از جانب اروپا و آمریکا، چیزی که واقعا بتوان نام آن را اجرا گذاشت نمی‌توان دید. مطابق آنچه در ضمیمه ۵ برجام آمده، ایران از روز رسمی شدن توافق، انجام ۱۲ تعهد خاص فهرست‌شده در ضمیمه را آغاز می‌کند اما در مقابل طرف‌های غربی صرفا بیانه‌هایی صادر می‌کنند که نشان‌دهنده تصمیم آنها برای تعلیق تحریم‌ها در زمانی است که ایران انجام تعهدات خود را به نحو راستی آزمایشی شده برای اژانس کامل کرده باشد.

به این ترتیب، روز آزمون برای برجام فرارسیده است. این نخستین مرحله‌ای است که برجام در آن تست خواهد شد. برجام توافقی است که برای ۵+۱ مبتنی بر راستی‌آزمایی است و برای ایران مبتنی بر اعتماد. ۵+۱ هیچ تعهدی را تا ما به ازای آن نقدا و به‌طور کامل از سوی ایران پرداخت نشود نخواهد داد، اما در متن برجام موارد متعددی وجود دارد که ایران طی آن عملا مجبور است به ۵+۱ اعتماد کند و صرفا به اتکای اینکه «امیدواریم چنین و چنان نشود» تعهدات خویش را اجرا کند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها، تأخیر فاز اجرای تعهدات ایران نسبت به طرف مقابل در گام نخست اجرای برجام است. به‌طور وسیع استدلال شده است که گروه ۵+۱ بویژه آمریکا پس از اتمام انجام تعهدات ایران، به ۲ دلیل قادر به سر باز زدن از تعلیق تحریم‌ها نخواهد بود. نخست، به این دلیل که در این صورت توافق هسته‌ای از هم خواهد پاشید، و این در حالی است که آمریکا به ایران نیاز دارد و دوم به این دلیل که ایران قدرتمند است و تبعات نقض توافق برای آمریکا سنگین خواهد بود. واقعیت این است که هر دووی این استدلال‌ها درست است ولی به

مسئله اصلی پاسخ نمی‌دهد. پس از اینکه ایران همه تعهدات کلیدی خود را انجام داد، قاعدتا دیگر آمریکا نباید هراسی از به هم خوردن توافق داشته باشد، مگر اینکه توافق دارای منافعی جز متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران برای آمریکا باشد، که البته هسته‌ای گره زده تحت عنوان نفوذ در این یکی - دو ماه دربار آن بحث شده را در همین جا می‌توان رهگیری کرد. قدرتمند بودن ایران هم مانعی برای نقض عهد از سوی آمریکا نیست چرا که آمریکایی‌ها در عین حال که می‌دانند ایران قدرتمند است، این را هم می‌دانند که یک جریان سیاسی در ایران آینده خود را به توافق هسته‌ای زده و در نتیجه هر گونه نقض عهد از سوی طرف مقابل را به دلایل سیاسی لاپوشانی خواهد کرد.

مهم‌تر از اینها این است که توجه کنیم اساسا آنچه باید نگران آن بود این نیست که آمریکا یا اروپا در روز اجرای توافق که احتمالا حداکثر تا ۳ ماه دیگر فرا خواهد رسید، از تعلیق تحریم‌ها سر باز بزنند. آنگونه که جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید گفته آمریکا فعلا قصد ندارد چنین کاری بکند چرا که هدف اصلی آن در مقطع فعلی تسخیر افکار عمومی در ایران و سوق دادن آن به سمت دوقطبی‌های بیشتر با حاکمیت در حوزه‌های امنیت ملی و بویژه شکل دادن به انتخابات‌ها در ایران است. نگرانی اصلی که باید نسبت به آن بیمناک بود این است که آمریکا در طول یکی - دو سال آینده، هم‌زمان با ملاحظه‌تر شدن محیط داخلی ایران و به‌هم‌ریختگی بیشتر در ژئوپلیتیک منطقه، به بهانه آنچه درون برجام نقض جزئی توافق خوانده شده، تحریم‌های خود را به دلایل مرتبط با اشاعه یا غیر آن احیا کند و در این سو، دولت نیز، هم به دلایل سیاسی که عمدتا مربوط به علاقه‌مندی به حفظ توافق به هر قیمت است و هم به دلایل تکنیکال، نه توان دادن یک واکنش موثر به‌گونه‌ای که آمریکایی‌ها را از تداوم این مسیر بازدارد.

راقم این سطور اطلاعاتی در دست دارد که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها می‌خواهند در یک تا ۲ سال آینده تحریم‌های خود را به بهانه‌های مختلف احیا کنند به‌گونه‌ای که عایدی ایران از توافق صرفا منحصر به تعلیق تحریم‌های اروپا شود که می‌دانیم در صورت احیای تحریم‌های آمریکا تقریبا هیچ ارزشی نخواهد داشت.

دامه در صفحه ۵